

علم

راز پیاده‌روی‌های استادانوار در محله‌ها

سید مهدی اعرابی
تهران پژوه



زنده‌یاد استاد عبدالله انوار، از چهره‌های شاخص تهران بود که تا روزهای پایانی عمر همواره با کتنب و پژوهش مانوس بود و تصحیحات بسیاری در کتب تاریخی داشت که مهم‌ترین و مشهورترین آنها جهانگشای نادری بود. استادانوار بیش از ۲۴دهه مدیریت نسخ خطی کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران را به عهده داشت و یکی از فعالان و پژوهشگرانی بود که با مرکز بزرگ دایر المعارف اسلامی شمیران همکاری داشت.

از او مقالات متعدد در موضوع نسخه‌شناسی و فهرست‌نگاری برجای مانده است. تهران‌شناسی یکی از علائق استاد بود به طوری که به گفته خودش، برای تحقیق در این زمینه ساعت‌های بسیاری از شب و روز را در خیابان‌ها و محله‌های تهران پیاده‌روی می‌کرد و مشاهداتش را از کوجها یادداشت برداری می‌کرد. او به تاریخ شکل‌گیری و وجه تسمیه بسیاری از محله‌ها، خیابان‌ها و سرگذشت باغ‌های تاریخی واقف بود و اطلاعات و دانش خود را سخاوت‌مندانه در اختیار علاقه‌مندان

در پژوهش‌های خود درباره محله‌ها و خیابان‌ها حتی به افرادی که در آن محله‌ها زندگی می‌کردند می‌پرداخت و معتقد بود هویت محله را باید با یاد بزرگان یک محله تاریخ‌شناسخت، یکی از ویژگی‌های شخصی استاد این بود که تلفن همراه نداشت، اما چنان فرد منظم و وقت‌شناسی بود که به راحتی می‌توانستیم از طریق تلفن منزل با او در تماس باشیم. برای دیدارش قرار بگذاریم و یا از او برای شرکت در جلساتی مرتبط با تاریخ و هویت شمیران دعوتی کنیم. او در مرور خاطراتش با جلال آل احمد صوبری از شمیران و گندم‌زارهای این منطقه ارائه می‌دهد که می‌توان علاقه او به شمیران و تاریخ محله را در یافت. سال‌ها سکونت در شمیران و علاقه‌ای که به تحقیق و پژوهش داشت موجب شد تا بتوانیم از حضور و داشته‌های علمی و تاریخی این چهره ادبی بهره‌مند شویم. زنده‌یاد عبدالله انوار از مترجمان و پیشکسوتان معاصر نسخه‌شناسی در ایران بود و جا دارد که این چهره در مناسبت‌های مختلف به نسل جوان امروز معرفی شود. استاد عبدالله انوار به حفظ زبان و گویش‌های محلی نیز بسیار اهمیت می‌داد و معتقد بود زبان و گویش‌های محلی میراثی فرهنگی است که از گشت‌وگان به ما رسیده و باید برای حفظ آن بکوشیم و این میراث را به نسل‌های جدید منتقل کنیم.

استاد عبدالله انوار و پیشاکسیه

عبدالله انوار سال ۱۳۰۱در تهران متولد شد. او پس از استخدام در وزارت فرهنگ و هنر چند سال به تدریس زبان انگلیسی در دوره متوسطه پرداخت و سپس به‌مدت ۳سال در اداره نگارش به‌عنوان مترجم زبان‌های فرانسوی و انگلیسی مشغول به کار شد. یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های او ریاست بخش نسخه‌های خطی کتابخانه ملی ایران به‌مدت ۲۳سال و تدوین ۱۰جلد از فهرست تحلیلی و توصیفی از همه نسخه‌های خطی فارسی و عربی می‌موجود

دوازدهمین نشست مرکز تهران‌شناسی همشهری به بزرگداشت استاد عبدالله انوار اختصاص داشت

به احترام فرزند تهران

نایفه مهجورمانده

استاد عبدالله انوار، فرهنگ پژوه، کتاب‌شناس، نسخه‌پرداز و فهرست‌نویس معاصر، گنجینه‌ای برای فرهنگ و ادب ایران و تاریخ تهران بود. او حدود یک قرن زیست و با تسلط بر علوم مختلف از جمله ریاضیات، منطق و موسیقی و اشراف بر متون کهن ادبی، فلسفی و تاریخی عمر خود را صرف نسخه‌شناسی کتاب‌ها و ثبت و حفظ نسخه‌های خطی کرد. چهاردهمین نشست مرکز تهران‌شناسی همشهری هم که با عنوان «بزرگداشت زنده‌یاد استاد عبدالله انوار» در هفته تهران برگزار شد، به جایگاه این مترجم و نسخه‌شناس برجسته معاصر می‌پرداد. در این نشست، غلامرضا امیرخانی، استاد یار کتابخانه ملی، جمشید کیان‌فر، نویسنده، پژوهشگر و نسخه‌پژوه و نصرالله حدادی، تهران‌شناس، به شرح ابعاد مختلف زندگی و آثار این شخصیت برجسته تاریخ معاصر پرداختند.

ازباجه تا کتابخانه بانگ ملی

استاد انوار بعد از فارغ‌التحصیلی، در بانک ملی خیابان سعدی مشغول به کار شد. اما دلش جای دیگری بود و کارمندی در بانک چندان خوشایندش نبود. غلامرضا امیرخانی درباره فعالیت فرهنگی مرحوم عبدالله انوار توضیح می‌دهد: «کار در باجه بانک با روحیات استاد چندان سازگار نبود و خودش هم به این موضوع اشاره داشت. به همین دلیل بعد از مدتی در دبیرستان معروف ابوریحان که امروز در حوالی خیابان ۱۷شهرپور واقع است به تدریس پرداخت تا اینکه روزی در صحافی آسای یادارام‌پور با مرحوم دکتر همایی آشنا شد و در آنجا از علاقه‌مندی‌اش به متون ادبیات تعریف کرد. به دعوت مرحوم همایی به مؤسسه لغتنامه دهخدا رفت و در آنجا با استادانی مانند دکتر شرفی، مرحوم محمد پروین گنابادی، بزاد بخش قهرمان، داماد ملک‌الشعراى بهار و... آشنا شد. او چندی بعد نیز با دعوت دکتر مهدی محقق به کتابخانه ملی رفت و مسئولیت ریاست بخش نسخه‌خطی کتابخانه را بر عهده گرفت.»

آزادی‌خواه

عبدالله انوار روحیه ضددیکتاتوری و آزادی‌خواهی داشت و بروز این روحیه را می‌شد در حساسیت بی‌اندازه‌اش به شاهان قاجار دید. امیرخانی در این باره می‌گوید: «استاد عبدالله انوار به شاهان قاجار و نیز پهلوی اول و دوم نگاه مثبتی نداشت و هر چه می‌گذاشت این نگاه بر رنگ می‌شد. ریشه این رویکرد را باید در شخصیت آزادی‌خواه و ضددیکتاتوری او جست‌وجو کرد. او هر وقت از کودتای

تفریح را با بازی درمقاله‌انوار و پیشاکسیه

اگر می‌خواهید تهران قدیم را بشناسید، مقاله استاد عبدالله انوار را بخوانید.

کیان‌فر می‌گوید: «استاد مقاله‌ه درباره تهران نوشته‌اند، توصیه می‌کنم این مقاله‌ها را بخوانید تا تهران قدیم و تهران جدیدی را که بر منطقه تهران قدیم بنیان شده بهتر و بیشتر بشناسید. او جای‌جای تهران را می‌شناخت و حتی می‌دانست افراد سرشناس کجا سکونت دارند و خانه‌شان کجاست. یک‌بار

ازشگردی در محضر پدر تا استادان بنام

انوار در خانواده‌ای به دنیا آمد که در بخش خدماتی از تاریخ ایران اثر گذار بودند.

مرحوم «سید یعقوب انوار شیرازی» از مبارزان دوران مشروطه بود که با بسیاری از رجال سیاسی کشور از تباط داشت. غلامرضا امیرخانی با اشاره به این پیشینه خانوادگی به تلمذ این دانشمند فریخته در محضر پدر و سایر استادان اشاره می‌کند: «خستین استاد مرحوم انوار پدرش بود. تمام ۱۴ تا ۱۵ سطح دروس مقدماتی حوزه را خوانده بود. پدر از همان ابتدا به پسرش توصیه کرده بود که از محضر درس استادان مختلف شهر تهران بهره‌مند شود. مرحوم انوار هسال در کنار مرحوم شهید مطهری درس عربی آموخت و نیز ریاضیات و هندسه را از مهندس بهجت یاد گرفت. در دانشگاه تهران رشته‌های تحصیلی حقوق و علوم سیاسی را دنبال کرد و سال‌های ۱۳۲۳ و ۲۴ از این دانشگاه مدرک فارغ‌التحصیلی‌اش را دریافت کرد.»

تلاش برای حفظ نسخ خطی حتی بعد از بازنشستگی

نسخ خطی با کوشش و پیگیری استاد عبدالله انوار در سازمان اسناد کتابخانه ملی ایران جمع‌آوری شد. جمشید کیان‌فر، نویسنده، پژوهشگر و نسخه‌پژوه، به دغدغه‌های استاد برای حفظ گنجینه‌های خطی اشاره می‌کند و می‌گوید: «مرحوم انوار در روزگاری که مسئول گنجینه نسخ خطی کتابخانه ملی بود، مدام تماس می‌گرفت و دغدغه فکری‌اش حفظ این نسخ تاریخی و قدیمی بود. در واقع انوار اصرار داشت در آن دوره تاریخی که کشور درگیر جنگ ایران و عراق بود، این گنجینه به‌مکان امنی منتقل شود. در نهایت این دغدغه فکری را به دفتر نخست‌وزیر و هیأت دولت منتقل کردیم و فضای را در سرراه ضرابخانه، چاپخانه بانک مرکزی، برای ایس‌ن کار اختصاص دادند. دقیقاً وقتی داشتیم چاپ سنگی‌ها را منتقل می‌کردیم، ضلع شمال کتابخانه ملی، مجتمعی به نام مجتمع متقین بود که یک موشک به آن اصابت کرد و تشعشعات آن موشک، در بسته زنجیر شده کتابخانه را از جا کند و تمام شیشه‌های نگهداری مخزن نسخ خطی که خوشبختانه خالی شده بود، شکست. تازه من آن روز متوجه دغدغه مرحوم انوار شدم. با وجود اینکه حدود اسال از بازنشستگی‌اش می‌گذشت و مسئولیتی نداشت، اما دغدغه او باعث شد تا این اسناد تاریخی از بین نرود و برای همیشه باقی بماند.»

مردی که فیلسوفی‌تر از مغان خردپرد

جمشید کیان‌فر، نویسنده و پژوهشگر، استاد عبدالله انوار را تهران‌شناس بزرگ معرفی می‌کند: «فکشنه‌نجم‌الدوله را کنار تهران امروز می‌گذاشت و تطبیق می‌داد. تمام کوچ‌پس کوچ‌ها و بناها را می‌شناخت. یکی از مقاله‌های جالب او مربوط به ضلع جنوبی خیابان فردوسی به سمت غرب است. بانک مرکزی و بانک ملی را در نظر بگیرد تا به توخانه برسیسد و بعد به خیابان قوام‌السلطنه. این محدوده را از زمان قاجار تا امروز بررسی دقیق کرده بود. تبحر او در همه علوم

رکورددار کتابخوانی

به عقیده جمشید کیان‌فر، نویسنده، پژوهشگر و نسخه‌پژوه، عبدالله انوار یکی از رکوردداران کتابخوانی در دنیاست که عمر خود را صرف مطالعه در حوزه‌های تخصصی کرده بود. او می‌گوید: «ادعای من این است که کسی در دنیا به اندازه استاد انوار کتاب نخوانده و با دست کم از رکوردداران کتابخوانی در دنیاست. انوار ۹۸سال زندگی کرد و حدود ۹دهه از عمر خود را وقف مطالعه کرده بود. هر بار که کتاب‌های مورد علاقه او را برایش می‌برد در کمتر از یک هفته نه تنها تمام آن کتاب‌های قطور را مطالعه می‌کرد، بلکه حاشیه‌ها و یادداشت‌های ارزشمندی بر آن کتاب‌ها می‌نوشت. گستره مطالعاتی او آتقدر وسیع بود که حتی کتاب‌های گرامر پیشرفته انگلیسی را هم در نهمین دهه از زندگی‌اش مطالعه می‌کرد.» نصرالله حدادی نیز درباره علاقه انوار به کتابخوانی می‌گوید: «او شیفته مطالعه بود. آتقدر که یک‌بار در توضیح از دواج نکر دن خود گفت چنان زندگی‌اش با کتاب احاطه شده که هرگز مجالی برای از دواج پیدا نکرده است.»

آموزش خواندن و تلفظ متون تاریخی

یکی از دغدغه‌های مهم استاد انوار، تجدید چاپ کتاب «تاریخ جهان‌گشای نادری» توسط انجمن مفاخر بود. نصرالله حدادی، اینکه مسیر خانه خود از شمیران تا کتابخانه ملی در خیابان سی‌تیر را هر روز با پای پیاده طی کرده بودند، اطلاعات میدانی و اسنادی دقیقی از تهران داشتند و اشراف به اسناد و منابع تهران و همچنین حضور و درک بسیاری از فضاهای شهری تهران، سبب شده بود تا در حوزه تهران‌شناسی به‌عنوان مرجعی کامل و بی‌نقص شناخته شوند. امروز اگرچه استاد انوار در کنار ما نیست، اما سخنرانی‌ها، صحبت‌ها و آثار ایشان که به تهران زیبایی ما هویتی مضاعف بخشیده، سبب شده تا تهران، شهری دوست‌داشتنی‌تر نامش گرامی.

مرجع بی‌نقص تهران‌شناسی

علیرضا زمانی
تهران پژوه



این‌کد را اسکن کنید و نشست بزرگداشت استادانوار را ببینید

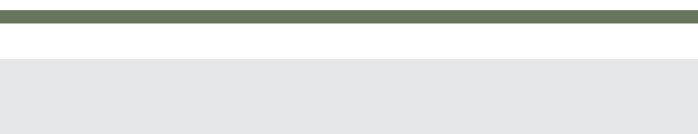


رکورددار کتابخوانی

به عقیده جمشید کیان‌فر، نویسنده، پژوهشگر و نسخه‌پژوه، عبدالله انوار یکی از رکوردداران کتابخوانی در دنیاست که عمر خود را صرف مطالعه در حوزه‌های تخصصی کرده بود. او می‌گوید: «ادعای من این است که کسی در دنیا به اندازه استاد انوار کتاب نخوانده و با دست کم از رکوردداران کتابخوانی در دنیاست. انوار ۹۸سال زندگی کرد و حدود ۹دهه از عمر خود را وقف مطالعه کرده بود. هر بار که کتاب‌های مورد علاقه او را برایش می‌برد در کمتر از یک هفته نه تنها تمام آن کتاب‌های قطور را مطالعه می‌کرد، بلکه حاشیه‌ها و یادداشت‌های ارزشمندی بر آن کتاب‌ها می‌نوشت. گستره مطالعاتی او آتقدر وسیع بود که حتی کتاب‌های گرامر پیشرفته انگلیسی را هم در نهمین دهه از زندگی‌اش مطالعه می‌کرد.» نصرالله حدادی نیز درباره علاقه انوار به کتابخوانی می‌گوید: «او شیفته مطالعه بود. آتقدر که یک‌بار در توضیح از دواج نکر دن خود گفت چنان زندگی‌اش با کتاب احاطه شده که هرگز مجالی برای از دواج پیدا نکرده است.»



گفت بله، یک نسخه دارم. من واقعا خرسند بودم که می‌توانستم یک دوره تاریخ را با او بخوانم و در خواندن، غلط‌هایم را بگیرد، تلفظ‌هایم را اصلاح کند، چون این برای من خیلی مهم بود. ما قرار گذاشتیم یک روز در میان به منزل ایشان بروم. حدود یک‌ماه این کار طول کشید. من می‌خواندم و او با متن خطی تطبیق می‌داد. درباره شخصیت‌ها می‌گفت و این نعمتی بود که نصیب من شد تا بتوانم تلفظ دقیق متون تاریخی را فرابگیرم.»



توانمندی عجیبی به او داده بود. انوار را باید فیلسوف زمان خودش دانست. او لیسانس حقوق داشت و لیسانس ریاضی هم گرفته بود. او منطق ریاضی را با تکیه بر منطق و فلسفه خوب بیان می‌کرد. در عین حال که نسخه‌شناس متبحری بود، مصحح متون بسیار برجسته‌ای نیز بود. به ظاهر مردی عبوس و اخمو بود، اما قلبی رئوف داشت. در ایام جنگ جزو معدود افرادی بود که دلواپس کتابخانه ملی و نسخه‌های خطی و چاپ سنگی آنجا بودند.»

